

موانع و محدودیت های ساختاری تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال

سمیرا وکیل ها^۱

سید یعقوب موسوی^۲

فرح ترکمان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۱۳

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که موانع و محدودیت های تعهد به اخلاق شهروندی را با هدف شناخت موانع عمده ساختاری (عینی - ذهنی) در ابعاد (عملی - نگرشی و ارزشی) تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال در شهر تهران مورد مطالعه قرار داده است؛ اینکه آیا محدودیت های ساختاری (عینی ذهنی) در ابعاد (عملی، نگرشی و ارزشی) تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان تهرانی تاثیر دارد یا خیر سوال اصلی تحقیق حاضر است. در چارچوب نظری این تحقیق از نظریه های پارسونز برای تبیین متغیر مستقل (موانع و محدودیت های ساختاری) و از نظریه دورکیم، گیدنز و هابرماس برای تبیین متغیر وابسته (تعهد به اخلاق شهروندی) استفاده شده است. این تحقیق به روش پیمایش و گردآوری داده ها با ابزار پرسشنامه (محقق ساخته) صورت گرفته است. حجم نمونه با روش نمونه گیری تصادفی به دست آمده است؛ به این ترتیب که پس از تقسیم تهران به مناطق مختلف با نمونه گیری خوشه ای و تصادفی، با پاسخگویان مصاحبه و اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد. جامعه آماری تحقیق، شهروندان ۱۸ تا ۲۹ ساله تهرانی می باشند. فرضیات با آزمون های آماره ای پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق حاکی از این است که محدودیت های ساختاری در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، شخصیتی و زیستی با تعهد به اخلاق شهروندی رابطه دارند و نظام فرهنگی بیشترین تاثیر محدودکننده را بر متغیر وابسته تعهد به اخلاق شهروندی اعمال می کند. به طور کلی، در تحقیق حاضر مسئله اصلی یعنی موانع و محدودیت های ساختاری در تعهد به اخلاق شهروندی بر حسب تئوری های اجیل پارسونز قابل تبیین می باشد. همچنین، بر اساس تئوری هابرماس، گیدنز، دورکیم و پوپر تاثیر محدودیت های ساختاری بر تعهد به اخلاق شهروندی قابلیت تبیین دارد.

واژگان کلیدی: اخلاق شهروندی، نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام شخصیتی و نظام زیستی

^۱ . دانشجوی دکتری رشته جامعه شناسی، گرایش بررسی مسایل اجتماعی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: vakilhas@gmail.com

^۲ . دانشیار، دکتری جامعه شناسی، عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

^۳ . استادیار، دکتری جامعه شناسی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

اخلاق شهروندی، یکی از مصادیق و پیامدهای توسعه یافتگی در ساختار جوامع مدرن است که مطالعه آن پیش نیازهای قابل توجه و بررسی را در ابعاد مختلف ساختاری و نیز کنشگران اجتماعی می طلبد. به نظر بسیاری از جامعه شناسان، اخلاق یک امر اعتباری، ثانویه و وضعیت دومین در جامعه است. اخلاق، متغیری است که هم به شکل مستقل و مهم وابسته قابل تبیین است. به عبارت دیگر، اخلاق شهروندی آن دسته از هنجارها و ارزش هایی هستند که به اقتضای فضا و کالبد و روابط متقابلی که در شهرها وجود دارد، معنا و ارزش پیدا می کنند. بنابراین مقصود ما از اخلاق شهروندی، آن دسته از هنجارها و ارزش هایی است که در قالب زندگی شهری و حقوق و وظایفی که شهروندان در قبال یکدیگر دارند، تعریف می شوند. در این تحقیق، اخلاق شهروندی به عنوان یک متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجا که اخلاق شهروندی برآیندی از توسعه نظریه شهروندی است و این ایده، از آن منظر که حاکی از رابطه متقابل میان فرد و اجتماع است، پیوندی اساسی بین فرد و جامعه را نمایان می سازد. علاوه بر حقوق، بر وظایف و تعهدات نیز دلالت دارد و از این رو، یک ایده دو جانبه و اجتماعی تلقی می شود (فالكس، ۱۳۹۰:۱۴). از طرفی، شهروندی اگر به صورت منش و عادت واره شکل گیرد و توسعه داده شود، به عنوان سبک زندگی می تواند افراد جامعه را در سایه مسئولیت پذیری شهری، قانون مند بودن، هنجارپذیری از الگوهای شهرنشینی که مجموعه ای از هنجارها و ارزش های انعطاف پذیر است، به وحدت برساند. شهروندی در مرحله اول باید بر اساس شناخت هایی حداقل از تاریخ و محیط پی ریزی شود. در مرحله بعد فرهنگ شهروندی تحصیل قواعد یک سلوک دموکراتیک حقیقی چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزش های اخلاقی است. سوم اینکه اهمیت بنیادی در این حوزه، سطح اخلاق مدنی است که ناشی از همان وحدت و اهمیت ویژگی های قبل و تکلیف مدارانه است (ترکمان، ۱۳۹۲). شایان ذکر است برای آنکه شهروندی از معنا و جوهره واقعی برخوردار باشد، نباید به رفتار خودسرانه اجازه بروز بدهد- در این صورت شهروندان باید بر مبنای معیارهای عینی و شفاف مورد قضاوت قرار بگیرند (Williams, 1997: 69-59).

نبود اخلاق در اشکال مختلف کم و بیش قابل مشاهده است و در سال های اخیر مورد نقد و بررسی محققان قرار گرفته است. خصایصی چون: احساس بی هنجاری در میان شهروندان، عدم احساس نظارت و کنترل، بی اعتمادی به نهادهای انضباطی و احساس عدم قطعیت قانون از جمله مصادیق عدم شکل گیری اخلاق شهروندی است. شواهد حکایت از آن دارد که بخشی از خلق و خویهای ایرانی نیز بحث انگیز بوده است. بر

اساس پیمایش ملی سال ۱۳۸۲، ۹۵/۷ از پاسخگویان به درجات مختلف موافق بودند که خلقیات ایرانی مشکل دارد (فراستخواه، ۱۳۹۴:۱۹). حدود ۸۸ درصد از مردم معتقدند فاصله طبقاتی روز به روز در جامعه بیش تر می شود. ۷۱ درصد معتقدند در جامعه ایران توانایی و شایستگی های فردی برای به دست آوردن شغل اهمیتی ندارد، بلکه پارتی و شانس ضرورت دارد. ۸۱ درصد معتقدند نداشتن پول و پارتی باعث ضایع شدن حقوق فردی می شود. ۵۹ درصد از پاسخگویان از کمیابی صداقت و راستگویی نگران بودند. ۴۹ درصد به کمیابی به قول و قرار معتقد بودند و ۶۸ درصد به دورویی و تظاهر اذعان داشتند (دفتر طرح های ملی، ۱۳۸۲). از آنجا که صفات یک ملت ذاتی نیست، بلکه ناشی از زندگی جمعی است و با تغییر اوضاع در سطوح مختلف، بهتر یا بدتر می شود، لذا نمی توان یک یا چند منش را به همه ایرانیان تعمیم داد، چرا که خرده فرهنگ هایی هم از درون لایه های اجتماعی بر می خیزد که از منش پایدار و مسلط تبعیت کامل نمی کند (فراستخواه، ۱۳۹۴:۲۷). این امر نشان دهنده آن است که ساختار یک جامعه با تغییرات ناشی از مدرنیته، در معرض چالش های قابل ملاحظه ای قرار دارد که می تواند توجیه کننده انحطاط اخلاقی و عدم نهادینه شدن اخلاق شهروندی باشد. بدیهی است این معضل دامنگیر شهرهای بزرگی چون شهر تهران است که هم گام با شکل گیری نظام های مدرن، قواعد اخلاق و هنجارهای مرتبط با نظام شهروندی در آن نهادینه نشده است.

بنابراین می توان اذعان داشت تهران شهری است متناقض با مظاهر مدرن و رفتارهای نامنسجم، غیر قاعده مند و نابهنجارساز (کاظمی، رضایی، ۱۳۸۸)؛ به طوری که بحران تعهدات اخلاقی در این کلانشهر به صورت دغدغه و مسئله قابل توجهی مطرح شده است و طبق نتایج حاصل از مطالعات مقدماتی و پیشینه تحقیق، این قلمرو و علل و پیامد آن با آنچه که در سطح سایر شهرها وجود دارد، متفاوت است. امروزه، زندگی شهری با رعایت قوانین، ارتباطات و تعاملات تعریف می شود و هر گونه خطایی در این آداب و قوانین سبب ایجاد تنش ها و ناراحتی ها و سردرگمی ها می شود. لازمه حل مسائل شهری، بحران های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ و اخلاق مناسب شهروندی و شهرنشینی است که این مقولات جزو پایه های اساسی و دائم شهرنشینی می باشند؛ به گونه ای که همه اجزای یک زندگی شهری باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ سعی کنند تعادل لازم را به وجود آورند. پس نکته اساسی در تبیین بعد اخلاق شهروندی این است که نمی توان شهروندی را صرفاً از منظر حقوقی و قانون یا صرفاً از منظر رابطه شهروند و دولت بررسی کرد (فاضلی، ۱۳۸۶).

بر اساس تجربیات تحقیقی به دست می آید که استقرار، ثبات، رشد و توسعه جامعه صرفاً بر پایه مادیات یا قوانین خشک حقوقی و یا روابط اقتصادی مبتنی بر فردگرایی و سود و زیان فردی شکل نمی گیرد، بلکه

سست بودن مشارکت و اخلاق شهروندی فضای جامعه و شهرها را خصمانه و پر ستیزه می نماید و بازتاب آن می تواند بی هنجاری دوران معاصر باشد که نیازها و آرزوها از قید فشارهای اخلاقی رها شده است؛ آن چنان که برایشان نقطه ثابتی بجا نمانده است (گیدنز، ۱۹۷۸: ۴۰). درچنین دورانی که حاکی از آشفتگی اجتماعی است، قواعد اخلاقی که معمولاً فعالیت های اجتماعی افراد را به نظم در می آورد، تحت فشار قرار می گیرد و چیرگی خود را از دست می دهد (گیدنز، ۱۹۷۸: ۴۰). داده های حاصل از پژوهش هایی چون: خلیقات ما ایرانیان (فراستخواه، ۱۳۹۴)، بررسی فرهنگ شهروندی (هاشمیان فر و عجمی، ۱۳۹۱)، اخلاق شهروندی (ذکایی، ۱۳۹۱) و موارد دیگر که در پیشینه مطالعاتی این پژوهش به شرح آمده است، نشان می دهند که آگاهی به اخلاق و رفتار منطبق بر اخلاق شهروندی در جامعه ایران محقق نشده و یا با موانع ساختاری در ابعاد ذهنی و عینی در نهادینه شدن مواجه بوده است. وقتی زبان، فرهنگ، اخلاق و عادات طبقات اجتماعی ناهمگون باشد، کارگزاران در جذب توده های مردم و اکثریت قاطع ملت، زبان مشترک و فرهنگ واحد ندارند. در نتیجه، توان جلب اعتماد آنان را نخواهند داشت. اصولاً راز عدم توانایی روشنفکران در ایجاد یک انقلاب مردمی در ایران و بسیاری از کشورهای جهان، نبودن فرهنگ و زبان مشترک بین مدعیان روشنفکری غرب گرایان و توده های مردم است (فرهنگ کوثر، ۱۳۷۸). لذا شناخت جایگاه موانع ساختاری در عدم تحقق اخلاق شهروندی و مدرن در جوانان که سرمایه های انسانی و فرهنگی و ملی محسوب می شوند، موضوع اصلی این پژوهش قرار دارد.

اهداف و سوالات پژوهش

با در نظر گرفتن ملاحظات فوق، هدف کلی پژوهش حاضر عبارت است از:

- شناسایی موانع عمده ساختاری تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان ۱۸ سال تا ۲۹ سال در شهر تهران؛
- شناسایی رابطه محدودیت های ساختاری با تعهد به اخلاق شهروندی در جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال در شهر تهران؛
- شناسایی رابطه ساختار های فرهنگی و اجتماعی با تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان.

اگر بخواهیم اهداف این تحقیق را به سوالاتی تبدیل کنیم یا مسئله ای تحقیقی را از آن استنباط کنیم می توانیم بگوییم: آیا محدودیت های ساختاری ذهنی (ابعاد فرهنگی - ارزشی) در ابعاد (عملی، نگرشی و ارزشی) تعهد به اخلاق شهروندی در بین شهروندان تهرانی تاثیر دارد؟ آیا ساختار های عینی نظام شخصیتی، در ابعاد (عملی،

نگرشی و ارزشی) تعهد به اخلاق شهروندی جوانان تهرانی تاثیر دارد؟ آیا بین ساختار های عینی نظام زیستی (نظام اقتصادی)، نظام شخصیتی و نظام اجتماعی در ابعاد (عملی، نگرشی و ارزشی) تعهد به اخلاق شهروندی در جوانان تهرانی تاثیر دارد؟

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی

بین محدودیت های ساختاری (عینی و ذهنی) و میزان تعهد به اخلاق شهروندی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی

- بین نظام اجتماعی و میزان تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) رابطه معناداری وجود دارد.
- بین نظام فرهنگی و میزان تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین نظام شخصیتی و میزان تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین نظام زیستی (نظام اقتصادی) و میزان تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) رابطه معناداری وجود دارد.

مبانی و چارچوب نظری

وسعت و پیچیدگی دنیای انسانی، انبوهی اطلاعات در جهان کنونی، آدمی را با واقعیت های متفاوتی روبرو می نمایند که شناخت بخشی از این پدیده های خاص نیازمند چارچوب نظری مشخصی می باشد تا محقق از زاویه ای خاص به شناخت و تبیین واقعیت ها بپردازد و از سردرگمی رهایی یابد. ارزش یک چارچوب نظری در این است که محقق با استفاده از آن، فرضیه ها و سوال تحقیق را در ذهن خود ساختار بندی می کند، زیرا که نتایج تحقیق وقتی آسانتر سازماندهی، تحلیل و توصیف می شوند که با یک چارچوب نظری سازگاری داشته باشند. به همین جهت از آنجا که این پژوهش نیز از جمله تحقیقات توصیفی - تحلیلی است، نیاز به یک چارچوب تئوریک خاص دارد که فرضیات تحقیق بر مبنای آن طراحی شوند. با وجود سعی و

تلاش فراوانی که بخش‌های گوناگون جامعه در اجتماعی کردن اعضای خود به کار می‌گیرند، اما گاهی اوقات، افراد از پذیرش ارزش‌ها و چارچوب‌های جامعه امتناع می‌کنند و یا برخلاف آن عمل می‌کنند. در این صورت، جامعه دچار بی‌هنجاری می‌شود و در انتقال ارزش‌ها و عناصر فرهنگی به اعضای خود دچار مشکل می‌گردد. از جمله مکاتبی که در جامعه شناسی به موضوع اخلاق شهروندی پرداخته اند، می‌توان به مکتب لیبرالیسم با تاکید بر حقوق، مکتب اجتماع‌گرایان با تکیه بر مسئولیت‌ها، تئوری‌های تعادل بین حقوق و مسئولیت‌ها (جمهوری خواهان مدنی) و پست مدرن میشل فوکو اشاره کرد که همگی اشاراتی به محدودیت‌ها و موانع ساختاری اخلاق شهروندی دارند، اما در این تحقیق با تکیه بر نظریه پارسونز چارچوب نظری ارائه می‌گردد. دورکیم بر نوع خاصی از اخلاق مدنی تاکید داشت. اخلاق شهروندی و مدنی که در شهرهای مدرن پدید می‌آید، بر شکل ویژه‌ای از فردگرایی مبتنی است. از نظر هابرماس، برای مدت‌های طولانی شهروندی تنها به معنای عضویت سیاسی بوده، لیکن امروزه دارای معنای خاص در حقوق مدنی است. برطبق آن، ضرورت توجه به افراد دیگر و شناخت منافع مشروع آنها به اندازه تعهد نسبت به جامعه مشترک در حقوق و وظایف تجسم یافته است. در این راستا، هابرماس معتقد است باورهای اخلاقی افراد تنها در جوامعی رشد خواهد یافت که هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند و اتفاق نظر درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بر عقلانیت ارتباطی مبتنی باشد. بنا بر نظریه هابرماس باید امکان گفت و گوی آزاد و خردمندانه به دور از سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه مدنی به وجود آید. در حوزه عمومی، امکان بروز و تجلی خودیابی فراهم شود و فرد هویت خود را پیدا کند و به واسطه خودیابی، گفتمان و ارتباط آزاد و دور از سلطه شکل گیرد. در این شرایط افراد با برون‌ریزی ذهنیت‌ها و عقاید و برخورد میان آنها به وفاق نسبی ارزش‌ها و هنجارها دست می‌یابند. (عبداللهی، ۱۳۸۰)

وجود مکانیزم‌های جامعه‌پذیری (اعم از: نهاد خانواده/ گروه دوستان/ سیستم‌های آموزشی و تربیتی/ سازمان‌های اجتماعی/ رسانه‌های گروهی) و نیز مکانیزم‌های کنترل و فشار اجتماعی (اعم از: کنترل درونی/ کنترل بیرونی) با هماهنگی و برنامه‌ریزی منطقی و عقلایی، برای درونی شدن نگرش شهروندان به شهروندی گفتگویی، لازم و ضروری است.

از مهم‌ترین موضوعات تحقیق و مطالعه پارسونز، پدیده شهروندی است. دیدگاه‌های وی درباره شهروندی از کارها و اندیشه‌های تی. اچ. مارشال تأثیر پذیرفته است. پارسونز برای عناصر فرهنگی و اجتماعی در شکل‌گیری سیاست و اقتصاد نقش عمده‌ای قائل بود و در ترویج مکتب "کارکردگرایی ساختی" تلاش بسیاری کرد.

در این پژوهش به دلیل مطالعه ساختاری های محدودکننده در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از نظریه اجیل پارسونز در تبیین متغیر مستقل (محدودیت ها و موانع ساختاری) استفاده شده است.

تئوری کارکردگرایی ساختی، از یک سو کارکردها و نتایج پدیده های اجتماعی را مورد توجه قرار می دهد و از سوی دیگر، بر رابطه پایدار و تداوم بین عناصر جامعه و کل نظام اجتماعی ناظر است. هر ساخت که از روابط ثابت و پایدار تشکیل می شود، با یک سلسله کارکردها در نظام اجتماعی تناسب دارد. بنابراین، کارکردگرایی ساختی از دو منبع الهام می گیرد: یکی کارکردگرایی ای که جامعه را دارای عناصری که هر یک در جای خود و به خوبی کار می کنند و در کل نظام ضرورت دارند، تلقی می کند و دیگری ساختارگرایی ای که در آن پدیده های اجتماعی از طریق کیفیت ساخت جامعه تحلیل می شود. در این حالت، اجزای مجموعه به واسطه عامل ساختی در اتصال و ارتباط پیوسته و پنهانی هستند. کارکردگرایی ساختی، شرط دوام نظام اجتماعی را در تامین کارکردهای اساسی جامعه می داند و هر ساخت نیز بر حسب ضرورت های کارکردی نظام اجتماعی تعیین و تشکیل می یابد. شهروند، کسی است که خود را به عنوان یک مؤلفه ساختاری در شهر تعریف کرده است. بین تمام ابعاد مادی و غیرمادی، انسانی و غیرانسانی کلانشهر، نوعی پیوند هستی شناسانه وجود دارد. شهر مجموعه ای از تخیل ها و تراکم سرمایه ها قلمداد می شود. دیدگاه ساختاری می گوید شرط این که شهروندان مسئولانه و مشارکت جویانه اخلاق شهروندی را به منصفه ظهور رسانند و حقوق را رعایت کنند و در ساختاری به نام کلانشهر، روابط انسانی سالم ایجاد نمایند، این است که ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تغییر دهیم؛ مثلاً احساس اجحاف را در نظام مدیریتی و سازمانی از بین ببریم، ساختار سیاسی مبتنی بر نوعی نگاه منصفانه و شایسته سالارانه باشد، ساختار اجتماعی دگرگون شود، قوانین حقوقی اصلاح شود، عدالت و آزادی تحقق یابد، فرصت های اقتصادی بیشتر شود و بعد به سراغ تغییر رفتار شهروندی برویم.

این رویکرد، کمابیش امکان تغییر در شهروندان را پیش از تغییر در ساختارها، امکان پذیر و پایدار نمی داند. ساختار اجتماعی، به روابط و مناسبات نسبتاً ثابت و تقریباً پایداری می گویند که میان افراد یا گروه های اجتماعی یک جامعه که تحت مجموعه مشترکی از ارزش ها و هنجارهای فرهنگی گرد آمده اند، برقرار باشد. در واقع، ساختار اجتماعی مجموعه روابط و پیوندهایی است که میان افراد، گروه ها و طبقات مختلف یک جامعه برقرار است و نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه براساس این روابط ترتیب و تنظیم می یابد. بعلاوه، ساختار اجتماعی دارای عناصری است که مهمترین آن عبارت است از: پایگاه ها، نقش ها، گروه ها و نهادها. اما باید در نظر داشت که این ساختارها در طی یک فرایند تاریخی شکل گرفته اند و به راحتی قابل تغییر نیستند. ریشه های پنهان تاریخی و تمدنی ساختارها، در فرایندی تاریخی و در یک چشم انداز دور تغییر

می‌یابد- ضمن این که تضمینی وجود ندارد با تغییر ساختارها، تغییر در ذهنیت‌ها و رفتارهای شهروندان اتفاق بیفتد.

رفتار اجتماعی به عنوان کنش اجتماعی به مطالعه رابطه هدف و وسایل و نقش محیط در جامعه در شکل‌گیری کنش اجتماعی می‌پردازد. پارسونز ابتدا ارادی بودن کنش سپس دلایل انتخاب‌های متفاوت افراد را با توجه به محدودیت‌های محیطی و زیستی مورد بررسی قرار می‌دهد و آن‌گاه با تأکید بر اهمیت هنجارها و ارزش‌ها در تعیین اهداف و اعمال انسان‌ها به تبیین کنش اجتماعی می‌پردازد.

بخش مهمی از آثار پارسونز به تحلیل شخصیت، سیاست، اقتصاد و ارزش‌ها اختصاص دارد. نظریات او در چهار زمینه مطرح می‌شوند: الف- زمینه فرهنگی: (تعلیم و تربیت، درونی شدن ارزش‌ها، پایداری ارزش‌ها و درونی شدن کارکرد خانواده)؛ ب- زمینه اجتماعی: (اجتماعی شدن، انسجام، وحدت و هماهنگی)؛ ج- زمینه شخصیتی (مهارت‌های زندگی و آینده‌نگری)؛ د- زمینه زیستی: (رفع نیازها، آسایش و رفاه).

گرچه در واقع امر انسانی عملی واحد است، اما باید زمینه‌های عمل را به عنوان چهار سیستم فرهنگی (ارزش‌ها)، زیستی (اقتصادی)، اجتماعی (جامعه‌پذیری) و روانی (شخصیتی) در نظر گرفت. این چهار سیستم در عین تمایز، دارای پیوستگی و تداخل هستند و می‌توان آنها را تحت یک سیستم عمومی تر که سیستم عمل است، قرار داد. ارتباط این سیستم‌ها به شکل افقی نیست، بلکه طوری رتبه‌بندی شده‌اند که سیستم فرهنگی، سیستم اجتماعی را کنترل می‌کند و به ترتیب سیستم اجتماعی، سیستم روانی را و سیستم روانی، سیستم سیاسی را. این رتبه‌بندی به لحاظ اطلاع، از بالا به پایین می‌باشد و از لحاظ نیرو، از پایین به بالا؛ یعنی، سیستم فرهنگی دارای بیشترین اطلاع و سیستم زیستی دارای بیشترین نیروست. در این رابطه، رتبه‌عالی تر، رتبه‌های پس از خود را کنترل می‌کند. عناصر فرهنگی که دارای خصیصه کلی هستند، از طریق نهادی شدن در قالب سیستم اجتماعی به شکل هنجار و قاعده در می‌آیند. به عنوان مثال، ارزش کلی عدالت (عنصر فرهنگی) در نظام قضایی نهادی می‌شود و در قالب سیستم اجتماعی تحقق عملی می‌یابد. ساخت همان نهادی شدن عناصر کلی فرهنگی است و دارای خصوصیات نسبتاً پایدار می‌باشد. عناصر نظام اجتماعی که دارای ثبات و دوام هستند به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ارزش‌ها (جهت‌گیری مطلوب سیاست را مشخص می‌کنند)؛ هنجارها (الگوهای رفتار)؛ اجتماعات (برگرد ارزش‌ها و اندیشه‌ها شکل می‌گیرد) و نقش‌ها (اشکال عضویت و شرکت افراد در اجتماعات). (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۷۸) بدیهی است مجموعه این عوامل می‌تواند در شکل‌گیری و حتی جهت‌گیری کنش‌های اجتماعی از جمله اخلاق شهروندی (متغیر وابسته این پژوهش)

نقش تعیین کننده ای داشته باشد. پارسونز الگوی نظری شهروندی را بر اساس نظام جامعه ای خود ارائه می دهد.

رابطه میان شهروندان و نظام های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی جامعه دو سویه است؛ به طوری که طرفین ارتباط، نسبت به هم دارای حقوق و وظایف متقابل هستند. تاکید اصلی در این الگوی نظری بر نقش حقوق و وظایف شهروندی است که از مؤلفه های کلیدی در تعریف مفهوم شهروندی و نیز تکوین تاریخی شهروندی در جامعه مدرن است. نکته ای دیگر که در مباحث شهروندی حائز اهمیت است و پارسونز در خطوط تکاملی جوامع به آن اشاره کرده است، جامعه مدنی متشکل از انجمن ها، باشگاه ها، اتحادیه ها، احزاب و نظایر آن است که حائل و میانجی دولت و شهروندان محسوب می شود. شهروندی جزو لاینفک جامعه مدنی و مبنای تشکیل آن محسوب می شود که امکان مشارکت جمعی و داوطلبانه در تمام عرصه های اجتماعی را فراهم می سازد. در گسترش هنجارهای عام و جهانی، تحولات بر اساس متغیرهای الگویی به صورت بسط عام گرایی، فرد گرایی، بی طرفی عاطفی، روابط همه جانبه و گسترده منابع جمعی معیارهای اکتسابی و مساوات طلبی پدید می آید. به این ترتیب، شهروندی در نظریه پارسونز در ارتباط با نظام سرمایه داری جوامع مدرن معنا دار است. (نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۳)

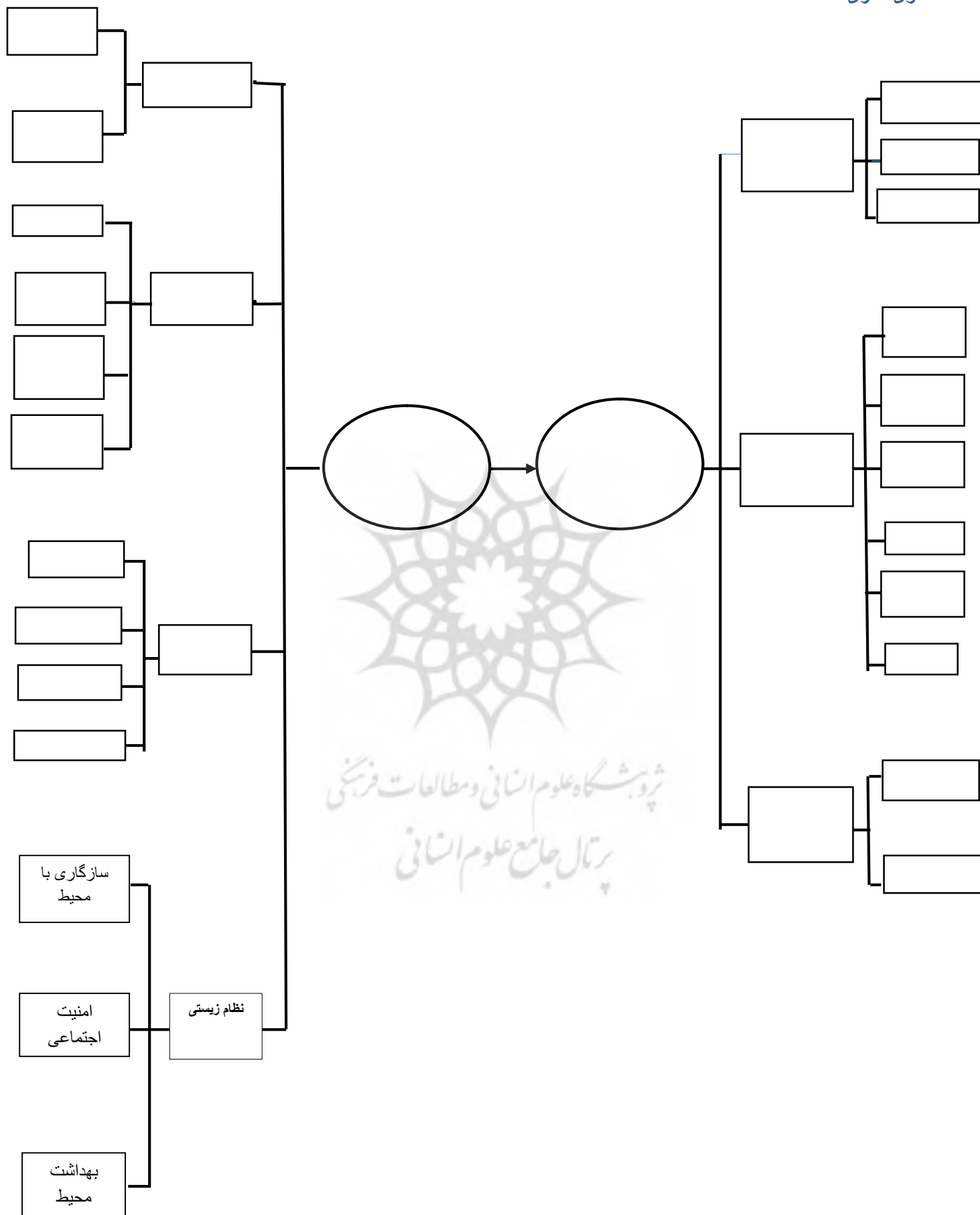
نابرابری های اجتماعی امروز به صورت حاد مطرح است، زیرا فزونی گرفتن آگاهی های اجتماعی و فردی و اطلاع از وضع زندگی جوامع بشری در گذشته و حال و نیز امکان دورنگری، این توانایی را به انسان های امروزی داده است که به تحلیل نابرابری های فوق پردازند و در رفع آن تلاش کنند (سیف الهی، ۱۳۸۸: ۲۲۰). مسائل و مشکلات اجتماعی در ایران ریشه در ساختار نظام اجتماعی و روند و ماهیت توسعه اقتصادی- اجتماعی سده های گذشته به ویژه چند دهه اخیر ایران دارد. در واقع، مسایل و مشکلات اجتماعی کنونی ایران از حد مسایل اجتماعی عادی فراتر رفته و به صورت بحران های منطقه ای، جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی درآمده و نظام اجتماعی را در ابعاد گوناگون تضعیف و مورد تهدید قرار داده است (سیف الهی، ۱۳۸۶: ۹۰). در مجموع می توان گفت شهروندی در معنای کامل کلمه، از نظر پارسونز نتیجه ظهور سرمایه داری مدرن یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، سکولار شدن و عقلانیت است که بستر مناسبی برای رشد آن فراهم آوردند. از دید پارسونز، "شهروندی مدرن نیازمند یک عامل سیاسی است که دیگر با خاص گرایی های تولد، قدمت و جنسیت محدود و مقید نشود". (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۳۳)

پارسونز با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی عام گرایی، بی طرفی ارزشی، اکتساب و نیز جامعه مدنی مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی، تصویری از شهروندی به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و

انسجام اجتماعی عرضه کرد. در مجموع، در طرح شهروندی وبری، دورکیمی و پارسونزی تاکید بر عقلانیت عرفی شده است، عضویت و تعهد اجتماعی مدنی، مشارکت و تعلق اجتماعی تمامی اعضای جامعه با هدف تقویت انسجام و نظم اجتماعی مدرن است و از نوعی جهت گیری دموکراتیک و لیبرالی به معنای سیاسی آن برخوردار است.

از دیدگاه پارسونز اجتماع جامعه‌ای، مقوله‌ای از تعهد اعضا به یکدیگر و جمعی است که در آن گرد آمده‌اند. برای به وجود آمدن چنین وضعیتی، ساختار انجمنی باید مطابق ارزش های مشترک جامعه باشد. در این صورت اعضا به یکدیگر تعهد پیدا می‌کنند، زیرا که ارزش های مشترک دارند و علایق و منافعشان با علایق و منافع دیگران در ارتباط است. سیستم اجتماعی پارسونز دارای چهار خرده نظام است که اعتماد اجتماعی، تابعی از کارکردهای اجتماعی هر یک از چهار خرده نظام فوق است که شامل کارکردهای انطباق و سازگاری، دست یابی به هدف، انسجام و همبستگی و نظم و در نهایت حفظ و نگذاشتن الگو می‌شود. از نظر پارسونز نمادهای اندیشه، تعهد، زور و پول در خرده نظام های چهارگانه ازحافظان و پاسداران امنیت و نظم اجتماعی می‌باشند. در صورتی که در هر نظام اجتماعی نظام‌های کنش به وظایف خود عمل کنند، نظم اجتماعی همراه با امنیت و آرامش در جامعه برقرار می‌شود و تعهد به اخلاق شهروندی بیشتر می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش توصیفی و علی است. جمع آوری اطلاعات از طریق پیمایش با مراجعه مستقیم به خانه های مسکونی و مصاحبه با افراد ۱۸ تا ۲۹ ساله خانوارهای ساکن در شهر تهران صورت گرفته است. بنابراین، واحد مشاهده، فرد و سطح تحلیل، خرد است. از نظر زمانی، این پژوهش، مقطعی می باشد. همچنین، از آنجا که مطالعه روی جمعیتی وسیع (شهروندان تهرانی) صورت گرفته، میزان ژرفایی از نوع پهنانگر است و با در نظر گرفتن معیار کاربرد از نوع کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر که از آن نمونه ای نمایا و معرف به دست می آید، شامل کلیه جوانان خانوارهای ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۵ است که طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، ۲۵۹۷۷۳۱ خانوار می باشد. حجم نمونه ۷۱۸ نفر به دست آمد. ابزار گردآوری داده در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته می باشد که پس از بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد، به کار گرفته شده است. برای آزمون فرضیات از آزمون پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر جهت سنجش رابطه میان متغیرها استفاده شده است.

بررسی پایایی متغیر وابسته تعهد به اخلاق شهروندی

جدول ۱: میزان آلفا کرونباخ متغیر وابسته تعهد به اخلاق شهروندی

متغیر تعهد به اخلاق شهروندی	تعداد گویه	تعداد سوال	اندازه آلفا
عملی	۴	۱۱	۰/۸۰
نگرشی	۶	۱۲	۰/۷۸
ارزشی	۲	۶	۰/۷۶

بررسی پایایی متغیر مستقل محدودیت ها و موانع ساختاری

جدول ۲: میزان آلفا کرونباخ متغیر مستقل محدودیت ها و موانع ساختاری

موانع و محدودیت های ساختاری	تعداد گویه	تعداد سوال	اندازه آلفا
ساختار نظام اجتماعی	۵	۳۶	۰/۸۰
ساختار نظام فرهنگی	۴	۶	۰/۷۸

۰/۸۴	۱۳	۳	ساختار نظام شخصیتی
٪۷۴	۶	۴	ساختار نظام زیستی

شاخص های تعهد اخلاقی شهروندی

تعهد به اخلاق شهروندی در ۳ بعد عملی، نگرشی و ارزشی مورد سنجش قرار گرفته است که در بعد عملی، مولفه های مسئولیت پذیری، نوع دوستی و صداقت، در بعد نگرشی مولفه های منافع فردی و جمعی، قانون مداری، احترام به قوانین، امانت داری، تلاش برای ارتقای رفاه و آگاهی و در بعد ارزشی مولفه های برابری خواهی و پذیرش گفتمان و نفی خشونت مورد مطالعه قرار گرفته است.

شاخص های موانع و محدودیت های ساختاری

نظام اجتماعی

مشکل است از عناصری که حاصل بازتولید ذهن کنشگران هستند و به محض تولید، قواعد جبر گرای زیستی را بر کنشگران تحمیل می کنند و بدین سان آزادی عمل و انتخاب و اراده کنشگر را در حد مرزهای ارزشی- اعتقادی شایع خود محصور می نمایند. این مرزهای محدودیت زا که اغلب موانع شکوفایی و تغییرات اجتماعی هستند، به عنوان شاخص های نظام اجتماعی مطرح می شوند که عبارت اند از: وحدت و انسجام و هماهنگی درون شهری.

۱. وحدت و انسجام (ارزش های مشترک اجتماعی، ارزش های مشترک فرهنگی و ارزش های مشترک سیاسی)

- ارزش های مشترک اجتماعی (تعامل، همنوایی و اعتماد)
 - ارزش های مشترک فرهنگی (هماندگرایی فرهنگی، آمیختگی فرهنگی و مذهب)
 - ارزش های مشترک سیاسی (آزادی، مشارکت و عدالت)
۲. هماهنگی درون شهری (هنجارهای اجتماعی و خرده فرهنگ قومیتی)
- هنجارهای اجتماعی (آداب و سنن و منزلت اجتماعی)
 - خرده فرهنگ قومیتی (مناسبات قومیتی و باور به اصالت هویت قومیتی)

نظام فرهنگی

پارسونز نظام فرهنگی را نظام الگو دار و سامانمندی از نمادها می داند که هدف های جهت گیری کنشگران، جنبه های ملکه ذهن شده نظام شخصیتی و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را در بر می گیرد .

قابلیت انتقال و اشاعه فرهنگ از نظامی به نظام دیگر، از خصلت نمادین ذهنی فرهنگ ناشی می شود. پارسونز به این نتیجه می رسد که معیارهای اخلاقی همان "شگردهای یکپارچه کننده و حاکم بر نظام کنش" می باشند.

در نظریه پارسونز، فرهنگ یک نظام مسلط است و او خود را یک جبرگرای فرهنگی می نامد (یان کرایب، ۱۳۷۸: ۲۵۰). شاخص های این متغیر حفظ الگو و جامعه پذیری است.

۱. جامعه پذیری: (تعلیم و تربیت و کارکرد خانواده)

۲. حفظ الگو، (درونی شدن ارزش ها و پایداری ارزش ها)

نظام شخصیتی

نظام شخصیتی (در سطح بالاتر و کلی تر: خرده نظام سیاسی) کارکردش دستیابی به هدف ۴ است؛ یعنی در پی تحقق اهداف در روند پیگیری و کسب منافع است. این نظام در لفافه ای از سایر نظام ها پرورده شده و شکل می گیرد. با این همه به جهت پیوندهایش با ارگانسیم خود و بی همتایی تجربه زندگی شخصی به یک نظام مستقل تبدیل می شود. پارسونز شخصیت را "نظام سازمان یافته ای از جهت گیری و انگیزش کنش کنشگر فردی می انگارد". پارسونز و شیلز، تمایلات نیازی را مهمترین واحدهای انگیزش کنشی و عنصر سازنده شخصیت می داند. آنان تمایلات نظامی را از کشش ها جدا می دانند و براین باورند که کشش ها همان گرایش های فطری و "انرژی جسمانی که کنش را امکان پذیر می سازد" می باشد (همان منبع). شاخص های این متغیر عبارت اند از: مهارت زندگی، تحقق انتظارات و آینده نگری.

۱. مهارت زندگی؛ (توانائی اجتماعی، هوش اجتماعی، سازگاری اجتماعی، آرمان گرایی)

۲. تحقق انتظارات: (نوع انتظارات: مادی و فرامادی) منابع انتظارات (اراده، اختیار، تقدیرگرایانه)

۳. آینده نگری: (فقدان برنامه، محدودیت دانش تجربی یا عدم آگاهی)

نظام زیستی

این متغیر اشاره به تمام عناصر موجود در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد که ساز و کار دستیابی به هدف را برای کنشگران میسر می سازند. در مطالعه این نظام در بستر جامعه مدنی و عاملیت شهروندان در این پژوهش شاخص های سازگاری با محیط، آسایش و رفاه شهروندان، امنیت اجتماعی و بهداشت محیط مورد سنجش قرار گرفته است. این متغیر در بردارنده شاخص انطباق پذیری و سازگاری با محیط است که طبق نظریه پارسونز به خرده نظام اقتصادی اشاره دارد. این شاخص با گویه های آسایش و رفاه، امنیت

۴. Goal Attainment

اجتماعی، بهداشت محیط و سازگاری با محیط، محدودیت های ساختار اقتصادی را در تعهد به اخلاق شهروندی مورد بررسی و مطالعه قرار داده است.

۱. آسایش و رفاه (حمایت های اجتماعی شامل خانواده، بازار، سازمان های عمومی غیر دولتی و موسسات خیریه)

۲. امنیت اجتماعی (عدم ترس از تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی)

۳. بهداشت محیط (محیط زیست سالم و منابع غذایی سالم)

۴. سازگاری با محیط (آب و هوای سالم)

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

موقعیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان ۱۸ تا ۲۹ ساله تهرانی به شرح زیر به دست آمد:

۵۰/۶ درصد از پاسخگویان زن و ۴۹/۴ درصد مرد هستند. ۲۳/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۹/۱ درصد متاهل هستند. ۳۳/۴ درصد از پاسخگویان تا دیپلم و زیر دیپلم و ۱۸/۸ درصد لیسانس، ۲۶/۹ درصد فوق لیسانس و ۵/۲ درصد دکتری می باشند. میانگین سن پاسخگویان ۲۴ سال است. ۱۶ درصد از پاسخگویان در شمال، ۲۲/۶ درصد در جنوب، ۱۶/۶ درصد در شرق، ۱۸/۹ درصد در غرب و ۲۵/۹ درصد در مرکز تهران زندگی می کنند.

توصیف متغیر های اصلی تحقیق: ابعاد متغیر مستقل، محدودیت ها و موانع ساختاری

- در بعد نظام فرهنگی، ۲۱/۳ درصد کاملاً موافق با مانع بودن نظام فرهنگی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۲۷/۳ درصد از شهروندان موافق با مانع بودن نظام فرهنگی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۳۱/۹ درصد در حد متوسط و ۱۴/۲ درصد مخالف و ۵/۳ درصد مخالف با مانع بودن نظام فرهنگی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند.
- در بعد نظام اجتماعی، ۳۳/۱ درصد کاملاً موافق با مانع بودن نظام اجتماعی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۲۹/۶ درصد از شهروندان موافق، ۲۳/۷ درصد در حد متوسط، ۵/۷ درصد مخالف و ۷/۶ درصد کاملاً مخالف با مانع بودن نظام اجتماعی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند. ۲/۲ درصد از پاسخگویان به مجموعه سوالات این متغیر پاسخ ندادند.
- در بعد نظام شخصیتی، ۲/۲ درصد کاملاً موافق با مانع بودن نظام شخصیتی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۲۸/۳ درصد از شهروندان در موافق با مانع بودن نظام شخصیتی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۴۵/۰ درصد در حد متوسط و ۱۳/۹ درصد مخالف، ۳/۳ درصد در حد کاملاً

مخالف با مانع بودن نظام شخصیتی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند. ۷/۲ درصد از پاسخگویان به مجموعه سوالات این متغیر پاسخ ندادند.

• ۱۷/۸ درصد کاملاً موافق با مانع بودن نظام زیستی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۳۹/۱ درصد از شهروندان موافق با مانع بودن نظام زیستی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۳۱/۱ درصد در حد متوسط و ۹/۶ مخالف و ۲/۴ درصد در حد کاملاً مخالف با مانع بودن نظام زیستی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند.

نتایج فرضیات

• به نظر می رسد نظام اجتماعی در تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) تاثیر دارد.

در روابط متقابل بین متغیر نظام اجتماعی با متغیرهای اصلی، طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۲) مشاهده گردید که رابطه بین نظام اجتماعی و (تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی) معنادار بوده است. افرادی که تعامل، همنوایی، اعتماد و مشارکت کمتری در نظام اجتماعی داشتند، کمتر متعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی بودند.

جدول ۳: آزمون پیرسون فرضیه نظام اجتماعی

نظام اجتماعی	تعهد به اخلاق شهروندی	همبستگی پیرسون
۰/۰۶۶	۱	Sig سطح معنی داری
۰/۰۰۹	-	جمع کل

با توجه به سطح شبه پارامتریک متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سنجش شده است. سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۹$ است که از سطح مورد نظر $۰/۰۵$ کوچکتر است و نشان از معنی داری تعهد به اخلاق شهروندی و نظام اجتماعی دارد. همچنین، میزان همبستگی پیرسون $۰/۰۶۶$ است که نشان دهنده شدت رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود.

• به نظر می رسد نظام فرهنگی در تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) جوانان تاثیر دارد.

در روابط متقابل بین متغیر نظام فرهنگی با متغیرهای اصلی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۲) مشاهده گردید که رابطه بین نظام فرهنگی و تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی معنادار بوده است. افرادی که در نظام فرهنگی جامعه پذیری ضعیفی داشتند، به ارزش های خانواده و اجتماع واقف نبودند و از هنجارهای مشترک اجتماعی آگاهی نسبی نداشتند، ارزش های معطوف به سنت های اجتماعی و خانواده برایشان بی اهمیت بود و به ارزش هایی از قبیل احترام به نماد ها و اسطوره ها پایبند نبودند، کمتر نسبت به اخلاق شهروندی متعهد بودند.

جدول ۴: آزمون پیرسون فرضیه نظام فرهنگی

نظام فرهنگی	تعهد به اخلاق شهروندی	همبستگی پیرسون Sig سطح معنی داری
۰/۵۳۱	۱	
۰/۰۰۰	-	

با توجه به سطح شبه پارامتریک متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سنجش شده است. سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر $۰/۰۵$ کوچکتر است و نشان از معنی داری تعهد به اخلاق شهروندی و نظام اجتماعی دارد. همچنین، میزان همبستگی پیرسون $۰/۵۳۱$ است که نشان دهنده شدت رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود.

• به نظر می رسد نظام شخصیتی در تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) جوانان تاثیر دارد.

در روابط متقابل بین متغیر نظام شخصیتی با متغیرهای اصلی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۲) مشاهده گردید که رابطه بین نظام شخصیتی و تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی معنادار بوده است. افرادی که سازگاری اجتماعی، هوش و توانایی اجتماعی کمی در مهارت های زندگی دارند، فاقد برنامه ریزی هستند، از دانش تجربی حداقلی در آینده نگری های زندگی برخوردارند و نوع انتظاراتشان بیشتر تقدیرگرایانه است، تعهد کمتری نسبت به اخلاق شهروندی داشتند.

جدول ۵: آزمون پیرسون فرضیه نظام شخصیتی

نظام شخصیتی	تعهد به اخلاق شهروندی	همبستگی پیرسون Sig سطح معنی داری
۰/۴۲۹	۱	
۰/۰۰۰	-	

با توجه به سطح شبه پارامتریک متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سنجش شده است. سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر $۰/۰۵$ کوچکتر است و نشان از معنی داری تعهد به اخلاق شهروندی و نظام شخصیتی دارد. همچنین، میزان همبستگی پیرسون $۰/۰۶۶$ است که نشان دهنده شدت رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود.

• به نظر می رسد نظام زیستی (نظام اقتصادی) در تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) تاثیر دارد.

در روابط متقابل بین متغیر نظام زیستی با متغیرهای اصلی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۲) مشاهده گردید که رابطه بین نظام زیستی و متغیر تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و زیستی معنی دار بوده است. افراد دارای امنیت و رفاه، فقدان اضطراب و نیز افرادی که احساس سازگاری با محیط نداشتند، تعهد کمتری نسبت به اخلاق شهروندی داشتند.

جدول ۶: آزمون پیرسون فرضیه نظام زیستی

نظام زیستی	تعهد به اخلاق شهروندی	همبستگی پیرسون Sig سطح معنی داری
۰/۱۶۴	۱	
۰/۰۰۰	-	

با توجه به سطح شبه پارامتریک متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سنجش شده است. سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر $۰/۰۵$ کوچکتر است و نشان از معنی داری تعهد به اخلاق شهروندی و نظام شخصیتی دارد.

همچنین، میزان همبستگی پیرسون ۰/۱۶۴ است که نشان دهنده شدت رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H0 رد و فرضیه H1 تایید می‌شود.

طبق نتایج حاصل از آزمون رگرسیون به روش جبری، نظام زیستی با ضریب بتای ۰/۰۷۴، نظام شخصیتی با ضریب بتای ۰/۲۱۸، نظام اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۵۸ و نظام فرهنگی با ضریب بتای ۰/۴۳۳ بیشترین تاثیر محدودکننده را در تعهد به اخلاق شهروندی داشت و از میان متغیرهای زمینه‌ای، سن و میزان درآمد رابطه معناداری با متغیر وایسته (تعهد به اخلاق شهروندی) نداشت.

جدول ۷: خروجی رگرسیون چند متغیره به روش جبری - عوامل موثر بر میزان تعهد به اخلاق شهروندی

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	.364	.364	-	1.001	.000
سن	0/021	0/073	0/009	0/295	0/768
درآمد	-9/40	-0/000	-0/001	-0/39	0/969
اجتماعی	0/332	0/049	0/258	6/832	0/000
زیستی	-0/313	0/150	-0/074	-2/083	0/038
فرهنگی	1/634	0/133	0/433	12/36	0/000
شخصیتی	0/418	0/077	0/218	6	0/000
				5/422	

بر مبنای مدل تحلیل مسیر عوامل موثر بر میزان تعهد شهروندی می توان گفت:

۱. میزان تعهد به اخلاق شهروندی تحت تأثیر مستقیم نظام اجتماعی (۰/۲۵۸) و نظام شخصیتی (به میزان ۰/۲۱۸)، نظام فرهنگی (به میزان ۰/۴۳۳) و نظام زیستی (به میزان ۰/۰۷۴-) می باشد.
۲. متغیر نظام اجتماعی تحت تأثیر مستقیم نظام شخصیتی (به میزان ۰/۳۷۴) و سن (به میزان ۰/۰۷۷) و تعهد به اخلاق شهروندی (به میزان ۰/۳۱۵) می باشد.
۳. متغیر نظام فرهنگی تحت تأثیر مستقیم نظام زیستی (به میزان ۰/۱۷۵)، سن (به میزان ۰/۱۱۳) و تعهد به اخلاق شهروندی (به میزان ۰/۵۱۲) می باشد.
۴. متغیر نظام شخصیتی تحت تأثیر مستقیم متغیر نظام اجتماعی (به میزان ۰/۳۳۹) و نظام زیستی (به میزان ۰/۳۲۱) و تعهد به اخلاق شهروندی (به میزان ۰/۲۴۲) می باشد.
۵. متغیر نظام زیستی تحت تأثیر مستقیم متغیر نظام شخصیتی (به میزان ۰/۳۲۱) و نظام اجتماعی (به میزان ۰/۳۳۹) و تعهد به اخلاق شهروندی (به میزان ۰/۲۴۲) می باشد.
۶. نظام فرهنگی تحت تأثیر غیر مستقیم نظام زیستی (۰/۱۷۵) و سن (۰/۱۱۳) است. نظام شخصیتی تحت تأثیر غیر مستقیم نظام اجتماعی (۰/۳۳۹) و نظام زیستی (۰/۳۲۱) است. نظام زیستی تحت تأثیر غیر مستقیم نظام شخصیتی (۰/۳۲۱) و نظام اجتماعی (۰/۳۳۹) است. نظام اجتماعی تحت تأثیر غیر مستقیم نظام شخصیتی (۰/۳۷۴) و سن (۰/۰۷۷) است.

جدول ۸: تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر میزان تعهد شهروندی

انواع تأثیر ضرایب مسیر (β_i) بر میزان تعهد شهروندی							
مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم	اثرات غیر مستقیم					تأثیر مستقیم	عوامل مؤثر بر تعهد به اخلاق شهروندی
	سن	نظام زیستی	نظام فرهنگی	نظام شخصیتی	نظام اجتماعی		
۰/۷۳۶	۰/۰۷۷	-	-	۰/۳۷۴	-	۰/۲۸۵	نظام اجتماعی
۰/۸۷۸	-	۰/۳۲۱	-	-	۰/۳۳۹	۰/۲۱۸	نظام شخصیتی
۰/۷۲۱	۰/۱۱۳	۰/۱۷۵	-	-	-	۰/۴۳۳	نظام فرهنگی
۰/۵۸۶	-	-	-	۰/۳۲۱	۰/۳۳۹	-۰/۰۷۴	نظام زیستی

۲/۹۲۱	۰/۱۹	۰/۴۹۶	-	۰/۶۹۵	۰/۶۷۸	۰/۸۶۲	مجموع تاثیرات
-------	------	-------	---	-------	-------	-------	---------------

طبق جدول ۵ سعی شده در قالب تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر تعهد به اخلاق شهروندی، به ترسیم نیکوئی برازش مدل نظری پرداخته شود. لذا در بیشترین و قوی‌ترین تأثیر بر تعهد به اخلاق شهروندی، می‌توان به تأثیر مستقیم متغیرهای نظام فرهنگی (۰/۴۳۳)، نظام اجتماعی (۰/۲۸۵)، نظام شخصیتی (۰/۲۱۸)، تحصیلات (۰/۰۸۲) و اثرات غیرمستقیم متغیرهای نظام اجتماعی (۰/۶۷۸)، نظام شخصی (۰/۶۹۵) نظام زیستی (۰/۴۹۶) و سن (۰/۱۹) اشاره نمود.

تفسیر نیکویی برازش داده‌ها در مدل

در کل ضریب تعیین تحلیل مسیر $(R^2 = 1 - e^2 = 1 - 0/473 = 0/527)$ عدد 0/527 را نشان می‌دهد. این بدان معناست که متغیرهای مورد بررسی ۵۲/۷ درصد از واریانس میزان گرایش به تعهد به اخلاق شهروندی (متغیر وابسته نهایی) را تبیین نموده (۰/۵۲۷ = مقدار واریانس تبیین شده) و ۴۷/۳ درصد واریانس میزان گرایش تعهد به اخلاق شهروندی (متغیر وابسته نهایی) مربوط به متغیرهایی است که در تحقیق پیش بینی نشده اند $(1 - 0/527 = 0/473)$ مقدار واریانس تبیین نشده).

بحث و نتیجه گیری

اخلاق شهروندی، یک پدیده جاری در کل نظام اجتماعی است که رفتار شهروندان را جهت می‌دهد و به واسطه شاخص‌هایی، رابطه هماهنگ و متناسبی بین مجموعه عناصر گروه‌های اجتماعی فراهم می‌کند، زیرا جامعه شهری همواره نیازمند یک نوع نظام هنجاری و ارزشی است و تنها همگرایی بین جهت و عمل سازمان‌های اجتماعی که می‌تواند زندگی اجتماعی را بر مبنای یک نظم اجتماعی، طبیعی جلوه دهد، اخلاق شهروندی است. شهروندی در نظر پارسونز به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی است که این موارد با کمی تغییر در شاخص‌های نظام اجتماعی از جمله وحدت، انسجام و هماهنگی درون شهری در پژوهش مقاله حاضر مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج حاکی از آن بود که شدت رابطه این سوالات با بعد عملی اخلاق شهروندی بیش از ابعاد نگرشی و ارزشی بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت مولفه‌ها و گویه‌های شاخص‌های نظام اجتماعی از قبیل وحدت و انسجام - که مولفه‌های آن عبارت‌اند از: ارزش‌های مشترک اجتماعی (تعامل، هم‌نوایی، اعتماد)، ارزش‌های مشترک فرهنگی (هماندگرایی فرهنگی، آمیختگی فرهنگی، مذهب)، ارزش‌های مشترک سیاسی (آزادی، مشارکت، عدالت) و هماهنگی درون شهری با مولفه‌های هنجارهای اجتماعی (آداب و سنن، منزلت اجتماعی) و خرده فرهنگ قومیتی (مناسبات قومیتی، باور به اصالت هویت قومیتی) - می‌توانند در بعد عملی اخلاق

شهروندی با شاخص های مسئولیت پذیری، نوع دوستی، نظم و صداقت تاثیرگذار باشد. در جامعه ای که همنوایی وجود ندارد، نمی توان انتظار نوع دوستی و صداقت داشت. چنین بستری در معرض خطرات ناشی از ضعف اخلاق به سر می برد.

در طرح شهروندی از نظر دورکیم و پارسنز بر عقلانیت عرفی شده، عضویت و تعهد اجتماعی مدنی، مشارکت و تعلق اجتماعی تمامی اعضای جامعه با هدف تقویت انسجام و نظم اجتماعی مدرن تاکید شده و از نوعی جهت گیری دموکراتیک و لیبرال به معنای سیاسی آن برخوردار است. از نظر پارسونز، شهروندی در معنای کامل کلمه، نتیجه ظهور سرمایه داری مدرن یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، سکولار شدن و عقلانیت است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۸). لذا تعهد اجتماعی و مشارکت در نظام زیستی لازمه پیش نیازهایی است که در پژوهش حاضر با شاخص هایی از قبیل سازگاری با محیط، آسایش و رفاه، امنیت اجتماعی و بهداشت محیط مورد مطالعه قرار گرفتند.

نتایج تحقیق نشان داد که موانع نظام زیستی با شاخص های یاد شده در بعد ارزشی اخلاق شهروندی شدت و تاثیر بیشتری دارد. این امر بدان معناست که اگر فرد در جامعه احساس امنیت و آرامش ناشی از رفاه نداشته باشد، در زمان بروز اختلافات قادر به کنترل خشم و حل و فصل اختلاف از طریق گفتگو نخواهد بود. همچنین، در انتخاب بین منافع فردی و جمعی نیز نمی تواند بر اساس عدالت و برابری رفتار نماید. بدیهی است احساس محرومیت، خشم درونی را نسبت به عوامل بیرونی تقویت می کند و از بروز اخلاق ممانعت به عمل می آورد. اگر انتظار جامعه با اخلاق داریم باید در اشاعه رفاه اجتماعی و برابری و عدالت خواهی کوشا باشیم.

در تحلیل مسیر، نظام شخصیتی تاثیر مستقیمی بر تعهد به اخلاق شهروندی داشت و در آزمون همبستگی نیز نظام شخصیتی با متغیرهای توانایی اجتماعی، سازگاری اجتماعی و آرمان گرایی بیشترین همبستگی را با بعد عملی اخلاق شهروندی نشان داد. این بدین معناست که ضعف و یا کاهش شاخص های توانایی اجتماعی، سازگاری اجتماعی و آرمان گرایی به اندازه ضریب همبستگی ۰/۳۴۱ می تواند بر شدت و کیفیت شاخص هایی از قبیل مسئولیت پذیری، نوع دوستی و نظم تاثیر گذار باشد. اگر وفاق و سازگاری اجتماعی بین ساختار و عامل وجود نداشته باشد، فرد نمی تواند احساس تعلق اجتماعی و متعاقبا نوع دوستی را تجربه کند. بدیهی است فرد غریبه به دلیل حلقه مفقوده ای به نام ارزش های مشترک اجتماعی دچار کاهش تعهد و در نتیجه عدم احساس مسئولیت می شود.

در نتایج رگرسیون به روش جبری، نظام فرهنگی با ضریب بتای ۰/۴۳۳ بیشترین تاثیر را بر تعهد به اخلاق شهروندی داشت؛ به این معنی که با یک درجه تغییر در متغیر مستقل موانع و محدودیت های نظام فرهنگی، متغیر وابسته تعهد به اخلاق شهروندی به اندازه ۰/۴۳۳ درجه تغییر خواهد داشت. در آزمون همبستگی پیرسون

نیز نظام فرهنگی با بعد نگرشی اخلاق شهروندی با شاخص های منافع فردی و جمعی، احترام به قانون، امانت داری، تلاش برای رفاه عمومی و آگاهی در رابطه ای به شدت 0/470 بود.

از نظر دورکیم، "اخلاق دستگامی از واقعیات تحقق یافته است که با دستگام کلی جهان پیوند دارد". (دورکیم، همان: ۳۸) امر اخلاقی سرچشمه همبستگی است و بشر را در مسیری غیر از پی گیری "انگیزش های خود پرستانه اش" هدایت می کند. این امر انسان را با انسان های دیگر در بطن جامعه پیوند می زند. به نظر دورکیم، هر قدر این گونه پیوندها بیشتر و نیرومندتر باشد، اخلاقیات استوارتر است. جامعه نوین امکاناتی را برای فردگرایی در چارچوب تنظیم اجتماعی فراهم می سازد. بر خلاف انواع پیشین سازمان اجتماعی که مبتنی بر همبستگی مکانیکی و خواستار هم رنگی افراد جامعه بودند، انواع سازمان های اجتماعی نوین بر همبستگی ارگانیکی استوارند و این همبستگی از طریق وابستگی کارکردی متقابل افراد مستقل تأمین می شود. در جوامع نوین، همبستگی اجتماعی به استقلال فردی شخصیت افراد، وابسته است و نه سرکوب آن. (کوزر، همان: ۱۹۶) از نظر جانوسکی، شهروندی عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت - ملت با حقوق و مسئولیت های عام گرایانه معین در سطح ویژه ای از برابری است (جانوسکی، ۱۹۹۸). جانوسکی را می توان در زمره نویسندگان قرار داد که هم بر حقوق و هم بر مسئولیت های شهروندی به طور همزمان تأکید دارد.

جانوسکی معتقد است در بحث از شهروندی بیشتر بر حقوق شهروندی تکیه شده و تعهدات شهروندی مورد غفلت قرار گرفته است. از نظر او، تعهدات می توانند به انواع مختلف دیده شوند، که عبارت اند از: تعهدات حمایتی، تعهدات مراقبت، تعهدات خدمات و تعهدات محافظت. تعهدات حمایتی شامل پرداخت مالیات ها، شرکت کردن در سرمایه گذاری های مبتنی بر بیمه و به طور پربار و بهره ورانه کار کردن می باشد. تعهدات مراقبت کردن، نسبت به دیگران و نسبت به خود نیاز دارد به اینکه یک شخص به حقوق دیگران احترام بگذارد، از بچه ها نگهداری کند و یک خانواده با محبت تشکیل دهد و با پیگیری آموزش یک شغل و مراقبت پزشکی کافی به خودش احترام بگذارد. تعهدات خدمات شامل استفاده بهره مند از خدمات و در واقع تشریک مساعی در خدمات است که عبارت است از شرکت در ثبت نام رای دهندگان، مراقبت بهداشتی برای سالمندی، داوطلبی در جنگ یا خدمت جوانان. تعهدات حفاظت شامل خدمات نظامی، مراقبت پلیس و خدمات اجباری یا سربازی برای محافظت از ملت به وسیله سلاح گرم یا انتقال مجروح شدگان و کنش اجتماعی برای حمایت داخلی از یکپارچگی یک سیستم دموکراتیک از طریق خدمات اجتماعی، اعتراضات یا تظاهرات است. این تحقیق در محدودیت های نظام فرهنگی گزیده ای از تعهدات ذکر شده را به عنوان شاخص مطالعه قرار داده است: تعلیم و تربیت (آشنایی از ارزش های خانواده و اجتماع و آگاهی از هنجارهای مشترک اجتماعی)، کارکرد خانواده (احترام به والدین و علاقه جوانان به خانواده)، درونی شدن ارزش ها (پایبندی به سنت های اجتماعی)، پایداری ارزش ها (احترام به نماد ها و اسطوره ها). نتایج حاکی از آن بود که عدم تحقق بستر اجتماعی با شکل

گیری چنین فرهنگ ارزشی منجر به بروز مشکلات اخلاقی در بعد ارزشی از جمله عدالت خواهی و پذیرش
گفتمان و نفی خشونت می گردد. لذا عدم تعلیم و تربیت صحیح و نارسایی وظایف خانواده در انتقال ارزش
های سازنده و پایدار سبب نفوذ فردگرایی سودجویی و اجتناب از کنش گفتگویی می گردد. با بررسی این نتایج
می توان دریافت که در نظام فرهنگی، حوزه فرهنگ شهروندی زمینه های لازم برای مشارکت و تعهد به
اخلاق شهروندی را در سه بعد عملی، ارزشی و نگرشی شهروندان فراهم نکرده است و با توجه به نتایج تحقیق
محدودیت های نظام فرهنگی در تعهد با اخلاق شهروندی بیش از متغیرهای دیگر تحقیق بود. به نظر می رسد
نظام فرهنگی در ابعاد تعلیم و تربیت، کارکرد خانواده، درونی شدن ارزش ها و پیداری ارزش ها دارای ضعف
هایی است. به عنوان مثال، نهاد تعلیم و تربیت پیش از آنکه به آموزش مهارت های زندگی و تمرین آن بپردازد
و سازگارهای اجتماعی را در مسیر تقویت همبستگی و وفاق اجتماعی آموزش و پرورش دهد، توجه دانش
آموزان و نیز خانواده ها را تا حد زیادی به سمت و سوی موفقیت های تحصیلی فرا خوانده است. از سویی
دیگر، رواج فردگرایی حاصل از مدرنیته نیز فرهنگ خانواده ها را به اخلاق منفعت گرایانه و سودجویانه
هدایت می کند که این نیز گسست در همبستگی جامعه ایجاد می نماید و در ادامه به پیشبرد تعهد به اخلاق
شهروندی آسیب خواهد رساند. لذا در آشفتگی چنین فضایی نمی توان تعهد به اخلاق را در ترکیب مدرن
شهروندی از کنشگران انتظار داشت.

بنا بر نظریه هابرماس، باید امکان گفت و گوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی
در جامعه مدنی به وجود آید؛ جایی که با عنوان حوزه عمومی در نظام سرمایه داری به وسیله سه عامل دولت ها،
وسایل ارتباط جمعی و شرکت های چندملیتی مورد تهدید قرار گرفته است. حوزه عمومی باید در همه سطوح
خانواده، سازمان و جامعه امکان ظهور داشته باشد و افراد باید تکامل را از آنجا آغاز کنند. در حوزه عمومی،
باید امکان بروز و تجلی خودیابی فراهم شود و فرد هویت خود را پیدا کند و به واسطه خودیابی، گفتمان و
ارتباط آزاد و دور از سلطه شکل می گیرد. در این شرایط افراد با برون ریزی ذهنیت ها و عقاید و برخورد میان
آنها به وفاق نسبی ارزش ها و هنجارها دست می یابند. وفاق زمینه ساز کنش تاریخی و سرنوشت ساز خواهد
بود. در این کنش اجتماعی عام، عقلانیت در ابعاد مختلف رشد می کند و به سوی تکامل اجتماعی و انسانی
پیش می رود. (عبداللهی، ۱۳۸۰). هابرماس در تحلیل خود بر حوزه عمومی و فرصت های دسترسی برابر به
مشارکت در قالب "گفتمان عقلانی" تاکید کرده است؛ به این معنا که باورهای اخلاقی افراد تنها در جوامعی که
هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و اتفاق نظر درباره ارزش ها و هنجارهای
اجتماعی بر عقلانیت ارتباطی مبتنی باشد، رشد خواهد یافت.

پارسونز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می داند و اخلاق شهروندی را به سه
مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می دهد و اخلاق شهروندی را با این سه

مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. به زعم وی، گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تاکید و دیدی خاص گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از حقوق و اخلاق و تعهدات شهروندی ندارند. (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱) در گسترش هنجارهای عام و جهانی، تحولات بر اساس متغیرهای الگویی به بسط عمل‌گرایی، فردگرایی، بی‌طرفی عاطفی، روابط همه‌جانبه و گسترده، منافع جمعی، معیارهای اکتسابی و مساوات طلبی می‌انجامند. از نظر پارسونز، شهروندی در معنای کامل کلمه، نتیجه ظهور سرمایه‌داری مدرن یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، سکولار شدن و عقلانیت است که بستر مناسبی برای رشد آن فراهم آوردند. از دید پارسونز، شهروندی مدرن نیازمند یک عامل سیاسی است که دیگر با خاص‌گرایی‌های تولد، قدمت و جنسیت محدود و مقید نشود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰). جهت‌گیری نظری شهروندی پارسونزی را با کمک متغیرهای الگویی که مبنایی برای تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی مدرنیته، جامعه مدرن و نهایتاً تعریف مفهوم شهروندی محسوب می‌شوند، می‌توان به صورت زیر بیان کرد. مدرنیته را باید بر اساس چهار متغیر الگویی عام‌گرایی، اکتساب، بی‌طرفی ارزشی و جمع‌گرایی - که نقطه مقابل متغیرهای الگویی اجتماعی سنتی یعنی خاص‌گرایی، انتساب، جهت‌گیری ارزشی و فردگرایی است - تعریف کرد (ازکیا، ۱۳۸۱). از نظر پارسونز، شهروندی پدید آمده‌ای است که حاصل گسترش ارزش‌ها و هنجارهای عام است و با ظهور مدرنیته و سرمایه‌داری یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، صنعتی شدن، سکولار شدن و عقلانیت رشد می‌یابد. همچنین، می‌توان آن را توسعه مدرنیته یعنی انتقال اعضای جامعه از وضعیت مبتنی بر منزلت به وضعیت مبتنی بر قرارداد تلقی کرد (شیانی، ۱۳۸۱).

شرایط تغییر یافته ساختاری سبک زندگی جوانان، افق‌ها و چالش‌های جدیدی پیش روی آن‌ها قرار داده است. این سیال بودن فرهنگ جوانان در سایه مسئولیت‌پذیری شهری، هنجارپذیری، قانونمندی و نیز شکل‌گیری انتظارات جدید، در این طبقه زمینه‌هایی ایجاد کرده است که سبب شده جامعه‌پذیری در نظام فرهنگی در نقطه قوت مورد انتظار شکل‌نگیرد و متعاقب آن در تعهدات اخلاق شهروندی سایه افکند.

منابع

- استونز، راب. (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشر نی
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲). "شهروندی و موانع تحقق آن در ایران". پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۰). "تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین". نامه علوم اجتماعی. پاییز و زمستان، شماره ۱۸، صص ۱۶۷-۲۰۰.
- غلامی نیا، عبدالحمید. (۱۳۸۸). "تأثیر انسان‌شناسی بر اخلاق شهروندی". فصلنامه انسان پژوهی دینی. دوره ۶، شماره ۲۱.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۳). "گفت و گوی اجتماعی راهبردی برای ارتقای فرهنگ شهروندی".
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی".
- فالکس، کیث. (۱۳۸۱). «شهروندی»، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱). نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست). هرمز همایون پور. تهران: نشر گام نو
- کاظمی، عباس و رضایی، محمد. (۱۳۸۸). "شهر بی انضباط و محدودیت های ظهور شهروندی در ایران". مطالعات اجتماعی ایران. شماره ۶، ۱۵ صص ۲۳ تا ۳۷.
- کرایب، یان. (۱۳۸۲). نظریه اجتماعی کلاسیک. شهناز مسمی پرست. تهران: آگه
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۶). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری. چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی
- نجاتی حسینی، سید محمود و منوچهری، عباس. (۱۳۸۵). "درآمدی بر نظریه شهروندی گفتگویی در فلسفه سیاسی هابرماس". نشریه نامه علوم اجتماعی. دوره ۲۹.

- نجاتی حسینی، سید محمود و توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۳). "واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران". مجله جامعه شناسی ایران. دوره پنجم، شماره ۲.
- هاشمیان فر، سید علی و گنجی، محمد. (۱۳۸۸). "تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان". جامعه شناسی کاربردی. سال بیستم، شماره ۱، صص ۲۵-۴۴.
- Bretzer , Noreen .Ylva .(2002). **"How Can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do?"** PHD Theses .University of Gothenburg, Sweden
- Janoski, T. (1998). **Citizenship and Civic Society**. Cambridge, Cambridge University press.
- Turner ،B.S. (1994). **"Out Line of a Citizenship"**. In *B.S.Turner&Hamilton, Citizenship: Critical concepts*.London: Routledge.



Barriers and Structural Constraints Commitment to Citizenship Ethics among 18-29 year old youth

Samira Vakilha

Ph.D. Student in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyyed Yaghoub Mousavi

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Farah Torkaman

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received:9 May 2017

Accepted:3 Jun. 2017

This article is from a research. At this research the obstacles and limitations of commitment to ethic citizenship is studied by considering the major structural obstacles (mind-objective) in dimensions of (practical- attitude and values) among 18-29 year old youth in Tehran. Whether the structural constraints (subjective objective) in the dimensions (practical, attitude, value) of the commitment to citizenship ethics affect the young people of Tehran, or not, is the main question of the present research. In the theoretical framework of this research, Parsons' theories have been used to explain the independent variable (structural barriers and constraints) and Durkheim, Giddens, and Habermas' theory to explain the dependent variable (commitment to citizenship ethics).

This research has been carried out in a survey method. Data collection was done using questionnaire tool (researcher made). Sample size was obtained by random sampling. So, after dividing Tehran into different regions, cluster and random sampling was performed with respondents interviewing and information needed. The statistical population of the study is Tehranian citizens aged 18 to 29 years. Assumptions were analyzed using Pearson's empirical tests, regression and path analysis. The results of the research indicated that structural constraints in social, cultural, personality and biological dimensions are related to the commitment to citizenship ethics and the cultural system has the most restrictive effect on the dependent variable of commitment to citizenship ethics. In general, in the present research, the main problem, the structural barriers and constraints in the commitment to citizenship ethics, can be explained in terms of the theories of Parsons. Also, based on the theory of Habermas, Giddens, Durkheim and Popper, the effect of structural constraints on commitment to citizenship ethics is possible.

Keywords: Citizenship Ethics, Social System, Cultural System, Personality System and Biological System

